

## ● نقد و معرفی کتاب

### امنیت: پس از حادثه نیویورک

Dominique David. *Securite: L'apres- NewYork* (Mayennel (La France): Floch  
Fevrier 2002) 129p.

که فکر می‌کردیم در حاشیه جهان قرار دارد  
توانست قلب کشورهای غنی را هدف قرار دهد.  
باید گفت پراکندگی در امر فن‌آوری و از بین رفتن  
بازیرگران سنتی در عرصه سیاست، نمای  
بین‌المللی را غیرقابل کنترل کرده است.

در فصل اول این کتاب نویسنده به  
تعریف امنیت و تغییرات آن پرداخته است. وی  
امنیت را به معنای گسترش محیطی که در  
آن فرد یا اجتماع خود را در وضعیت آسیب‌پذیر  
احساس نکنند و تهدیدی وجود نداشته باشد یا  
حداقل ابزار تهدید وجود داشته باشد، تعریف  
کرده است. وی می‌گوید همان‌طور که فلاسفه  
قرن هجدهم خاطرنشان ساخته‌اند، نیاز به تأمین  
اجتماعی امنیت افراد، اولین مرحله قانونی  
شکل‌گیری یک دولت است.

نویسنده این کتاب دومینیک دیوید  
است.<sup>۱</sup> وی متخصص مسائل استراتژیک می‌باشد  
و مأموریتی تحت مدیریت مؤسسه روابط  
بین‌الملل فرانسه (IFRI) به عهده دارد که در این  
مؤسسه به مطالعه درخصوص موضوع امنیت  
می‌پردازد. او همچنین استاد مدرسه ویژه نظامی  
سن-سیر (Saint-Syr) نیز می‌باشد. وی در این  
کتاب می‌نویسد:

حوادث هیچ‌گاه اجازه نمی‌دهد تاریخ  
آن‌گونه که پیش‌بینی می‌کنیم، پیش رود. در نوامبر  
۱۹۸۹ تقریباً تهدیدی متوجه جهان نبود و جهان  
به سوی وحدت پیش می‌رفت. ولی در سپتامبر  
۲۰۰۱ موضوع بسی‌ثباتی و آسیب‌پذیری  
کشورهای توسعه یافته مطرح شد.

حادثه ۱۱ سپتامبر دورنمای جدیدی را  
از بی‌اعتمادی و نگرانی گشود. کشمکش‌هایی را

1. Dominique David

سخن می‌گوید که تنها مورد تهدیدات نظامی نیست بلکه فقر، ایدز و حتی تغییرات محیط زیست نیز آن را تهدید می‌کند. از این رو برای ایجاد امنیت باید به تمام عوامل اعم از نظامی، دیپلماسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره توجه داشت.

نویسنده اضافه می‌کند: پایان تهدیدات به معنای صلح نیست، بلکه کشمکش‌ها باید حل و فصل شود. هر رفتاری، استراتژی و ابزار خاص خود را می‌طلبد. فرار از تهدید، زمینه‌تجزیه و تحلیل‌های دیگری را برای تلفیق استراتژی فراهم می‌آورد. به طور کلی باید گفت: امنیت فقط امنیت فیزیکی نیست، بلکه باید مدیریتی برای رفع کشمکش‌ها حتی در جهان خارج وجود داشته باشد.

در بخش بعدی این کتاب نویسنده به موضوع صحنه‌های جدید کشمکش پرداخته است و مبارزه علیه دولت حاکم یا مبارزه برای بسته دست گرفتن قدرت را علت اغلب کشمکش‌های سیاسی قرن حاضر دانسته است. ولی وی هدف از حمله شبکه بن لادن به امریکا را به دست‌گیری کنترل حکومتی امریکا نمی‌داند و معتقد است حادثه ۱۱ سپتامبر سبب ایجاد از هم گسیختگی در نظام ارتباطات استراتژیکی شد و سخنان بن لادن در فضای استراتژیکی شکاف ایجاد کرد. به علاوه به نظر نویسنده

به علاوه نویسنده معتقد است که در قرن بیستم مفهوم امنیت ابعاد گسترده‌ای به خود گرفته است: نظیر امنیت کاری، امنیت اجتماعی، امنیت غذایی، پزشکی و حتی امنیت زیست محیطی از موارد قابل توجه در سیاست قرن گذشته به شمار می‌رود. وی می‌گوید بعد نظامی امنیت نیز در طی قرن بیستم در میان جوامع کاملاً تغییر کرده است و تغییر و تحول در تسلیحات، جوامع را به اعماق می‌برد. جنگ هسته‌ای خلاصه‌ای از این تغییر و تحولات تسلیحاتی است که مفهوم تازه‌ای از امنیت را می‌طلبد.

تحولاتی دیگری نیز حیطة مفهوم امنیت بین‌المللی را گسترده‌تر می‌کند. افزایش دولت‌هایی که از سلطه استعمار خارج می‌شوند برای تضمین صلح و خوشبختی مردم کافی نیستند؛ بلکه توسعه دیپلماسی، تسلیحات و کشمکش میان دولت‌ها، اهمیت توجه به عوامل دیگر برای بوقراری امنیت را یادآور می‌شود. در این میان می‌توان به عواملی نظیر توسعه اقتصادی، توسعه انسانی (آموزش، ارتقاء حقوق افراد و فرهنگ‌ها) اشاره نمود.

معمولاً امنیت کشورهای فقیر بیشتر به واسطه گرسنگی و نابودی سیستم بهداشت مورد تهدید قرار می‌گیرد تا به واسطه تهدیدات نظامی. "امنیت انسانی" از بقای جوامع انسانی

تروریسم پرداخته است و مبارزه فلسطینیان را در ردیف عملیات تروریستی آورده و معتقد است که منطبق و ابزار عملیات تروریستی متفاوت است. به عنوان مثال، وی نحوه و هدف عملیات "حماس" را متفاوت از القاعده دانسته است.

به علاوه وی معتقد است، پیشرفت کنونی مبارزه علیه تروریسم با موقعیت خاورمیانه چشم‌گیر نیست ولی با این وجود این مبارزه چه به صورت محلی باشد چه ضداسرائیلی یا جهانی یا ضدآمریکایی، باید به عنوان اولین قدم در حل تمام بحران‌ها به شمار آید. از طرفی نیز وی اضافه می‌کند که: اگر چه سیاست حمایت از فرآیند ایجاد دموکراسی ساده به نظر می‌رسد ولی مشخص کردن چارچوب آن مشکل است و این سیاست تنها راه حل در دراز مدت برای تثبیت حکومت‌های متزلزل و تأمین اعتبار غرب محسوب می‌شود.

در فصل بعدی نویسنده به عملکرد اروپا پس از جنگ جهانی دوم و به پیمان‌هایی که در نیم قرن گذشته در اروپا جهت برقراری امنیت بسته شده، پرداخته است و سپس به نقش اتحادیه اروپا و قابلیت آن اشاره دارد و اتحادیه اروپا را تشکیلی بزرگ‌تر از یک گروه و کمتر از یک دولت تعریف کرده است و می‌گوید اتحادیه اروپا اگر بخواهد می‌تواند یک استراتژی

حمله به آمریکا در واقع هدف قرار دادن تصویر و واقعیت‌دنیایی است که به عنوان جهان واحد برای آینده معرفی شده است و تروریسم در ۱۱ سپتامبر، جایگاه جدیدی از جنگ را در قلب فضای امنیتی به وجود آورد.

در فصل سوم نویسنده به بیان ۴ موردی که هم اکنون در زمینه کشمکش‌های نامتقارن باید به آن توجه شود، پرداخته است و این موارد را فن‌آوری هسته‌ای، سلاح‌های شیمیایی، خطرات زیست محیطی و سیستم‌های ارتباطاتی برشمرده است.

در فصل بعدی دومینک دیوید از اقتدار آمریکا سخن گفته است. از این که قدرت آمریکا در همه زمینه‌ها اعم از اقتصادی، نظامی، فرهنگی و فن‌آوری مشهود است و این پیشرفت‌ها با تعابیر سیاسی و دیپلماتیک همراه است. درحالی که کشورهای دیگر فقط در برخی شاخه‌ها - پیشرفت داشته‌اند و تنها امریکاست که هم‌زمان در همه زمینه‌ها تسلط دارد. به علاوه وی اشاره می‌کند که باید به سه موضوع درخصوص آمریکا توجه داشت: شدت تنفر حرکات ضد آمریکایی، آسیب‌ناپذیری آمریکا که مورد تهدید قرار گرفت و بالاخره کارآیی و امکانات جامعه آمریکا که به واسطه حوادث تخریب می‌شود.

در فصل پنجم نویسنده به موضوع

نظام شوروی سابق نشان داد که سلاح‌های هسته‌ای دلیلی بر هیچ‌گونه ثباتی نمی‌شود. نویسنده معتقد است قدرت دفاعی صرفاً از نظر فنی نیست، بلکه استقلال در فن‌آوری است که امروزه بعد مرکزی تمام استراتژی‌های دفاعی را تشکیل می‌دهد حمایت سیاسی از اختیارات دفاعی باید بدون ابهام صورت گیرد. در این میان مشورت، مذاکره و به کارگیری تدابیر مختلف دفاعی ضروری به نظر می‌رسد به ویژه برای آن دسته که فرهنگ استراتژیکی آنان دگرگون شده است.

دیپلماتیک، یک استراتژی ثبات اقتصادی، یک استراتژی نظامی و یک استراتژی گفت‌وگوی فرهنگی اتخاذ نماید و به کمک این استراتژی‌هاست که اروپا می‌تواند فضایی مطمئن‌تر برای مدیریت و برای برخورد با تهدیدات ایجاد کند. در ضمن نویسنده معتقد است که در بحث درخصوص سازمان‌دهی بین‌المللی و جهانی شدن، اروپا موضع منحصر به خود نگرفته است ولی ما حاصل دکترین‌های اروپا نسبت به موضع‌گیری امریکا، پویاتر و بازتر بوده است.

در فصل پایانی (فصل هفتم) نویسنده

در نتیجه‌گیری این کتاب نویسنده می‌گوید: هر یک از جوامع انسانی، امنیت را بنا به شیوه خود می‌شناسد، ولی در قرن بیستم موضوع امنیت همراه با خشونت مطرح شد. چنین امنیتی از نظر محتوا و نحوه ایجاد آن به گونه‌ای است که می‌توان گفت ثبات ندارد. چرا که امنیت تنها حفاظت در برابر تهاجمات فیزیکی نیست و درجائی که چنین حفاظتی لازم باشد، نمی‌تواند تنها به واسطه ابزار نظامی تأمین شود.

به موضوع دفاع و پیشرفت تسلیحاتی پرداخته است و بیان داشته که بودجه دفاعی کشورها رو به کاهش است. فروش اسلحه در جهان رشد تنازلی داشته است و انبار تسلیحات قدرت‌های هسته‌ای کوچک‌تر می‌شود؛ اما در این میان امریکا از نظر نظامی نقش غالب به خود گرفته زیرا از یک قدرت نظامی قوی و متفاوتی برخوردار است و به عنوان الگویی برای کشورهای توسعه یافته از نظر تسلیحات نظامی درآمده است.

حادثه ۱۱ سپتامبر باعث شد تا جوامع غنی و پیشرفته به فکر آن باشند تا اهداف و ابزار سیاست امنیتی خود را مستحکم‌تر سازند، چرا که این حادثه فضای آسیب‌پذیری را نشان داد که

به علاوه وی اضافه می‌کند که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر مسأله در حاشیه قرارداد-سیستم دفاعی جدید که الگوی آن سلاح هسته‌ای است، مطرح شد. چرا که فروپاشی

برمی‌شمرد: تشریح درباره‌ی حیطة عملکرد سیاست خارجی تنظیم معادلات بودجه‌های دفاعی، تعیین اولویت‌ها در تحقیقات ملی، انطباق تأسیسات با فرضیه‌های جدید و بالاخره سازمان‌دهی واقعی دفاع مدنی.

کتاب حاضر از ۷ بخش تشکیل شده است که هر بخش شامل فصول مختلف است در زیر عناوین بخش‌ها می‌آید:

- امنیت: تعریف‌ها و تحولات
- صحنه‌ی جدید کشمکش‌ها
- خطرات، تهدیدات، آسیب‌پذیری‌ها
- جهانی برای امریکا
- هدایت اما تا کجا؟
- دیرینه‌ی اروپا
- مسأله‌ی دفاع

معصومه سیف‌افجه‌ای

مرکز مطالعات اروپا و امریکا

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

این آسیب‌پذیری می‌تواند گذرگاهی برای احاطه‌ی سیستم دفاعی شود.

نظریه‌ی جهانی شدن دفاع که به دنبال جهانی شدن امنیت مطرح شد، هیچ‌گاه تا به امروز به این شدت قوت نگرفته است. امروز ابزارهای فکری و مادی موجود برای هدایت جو حاضر پاسخگو نیست و باید تلفیقی میان ابزارهای نظامی، اقتصادی و مالی به وجود آید و باید بحث رهبری کشمکش‌ها به منظور هدایت جهان برای تضمین حداقل ثبات و سرکوب بحران‌های عظیم، به عنوان یکی از اصول دهه‌ی حاضر در نظر گرفته شود. اکنون باید شیوه‌های جدیدی از مدیریت جهان اختراع شود و باید به فکر ایجاد منطق هم‌زیستی بود.

نویسنده اضافه می‌کند: سیستم‌های امنیتی امکان گفت‌وگو را فراهم آورده و سبب ایجاد تعادل، توسعه و میادلاتی می‌شود که فضا را برای ایجاد هم‌زیستی هموار می‌سازد.

در پایان وی مسائلی را که باید در رابطه با موضوع دفاع و امنیت به آن توجه شود چنین



پڙوڻ شڪاھ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی